

پیشنهاد پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره خشم، سال اول، شماره ۵۰۴، پانزدهم آبان ۱۳۵۷
تاس شماره ۱۰۰۰۰

برای تشکیل جبهه متحد خلق

صفحه ۳

امسال، با دو بهار

باز آمدی، ای که نگاه مژده و صدایت سرود شکفتن است
باز آمدی، ای بهانه هق هق شادی های بازیافته،
از کجا آمده ای که این همه زخم بر پیکر تناورت گل داده
و این همه رنج و غرور، در شیارهای پیشانی بلند و غمناک، موج می زند؟
البرز امروز از پشت شانه های تو سر می کشد
و چابک ترین عتاب های این دشت شتاب و نوفان
در دست های عظیم تو آشیانه می کنند.
چوپان خسته ترکمن، در نی لیکش ترا می نوازد،
دختران شایبزار، در ترانه ها ترا بر زمه می کنند،
شیرهای جوان، در میدان نبرد آهن و عضله، ترا می نهند:
— در کنار دودکش ها که شیخ دیوهای کز بیخه از فتنه هایند —
و کوره ها که قلب و کار را فطره فطره تبخیر می کنند —



سرمقاله

پیام نوروز و پیام انقلاب

نخستین سال از دو هزار و پانصد سال تاریخ است که نوروز را بدون «لولوی تاجدار» برگزار می کنیم. انعکاس پیام چلچله ها در نوشخند نقشه های ترازه پلک گشوده، نشیمنی زمین در جاری چشمه ها و روح سبز بهار، طنین قدم های مهرناب و پر مغز عمو نوروز دوست دانشی، امسال بهار طبیعت را نابهار سیاسی همین مایه ها داده است. سالی که گذشت ۳۶۵ روز ساده نبود، قرن هایی بود بر شانه های خسته و مجروح مردم، حوادث این سال را زلزلگی این فزون تیره و سنگین را در هماهنگی مشت ها و قدم ها، در یگانگی صداها و عزم ها، در آمیختن خون مجاهد مسلمان و جریرک فدائی و رزمندگان توده ای، در درک مشترک رنج و شکنجه و اندوه و امارت آحاد خلق نشان داد. این درس تجربی عظیمی است که در ازای آن جان هزاران تن از شریف ترین و فرزانه ترین فرزندان مردم را ربودند. اما این درس هنوز نا پایان و در حد بیانی کسه برای آن پرداخته ایم. نگار نموده، چرا که مبارزه در راه آزادی و استقلال که سال گذشته نخستین دروازه آن فوج شد، تازه آغاز شده است.

امسال عمو نوروز بر جاده ارغوانی پیروزی باک انقلاب گام می گذارد. اما گام هایی که ما در این جاده طولانی در پیش داریم، از سر اشک ها و سینه ها و خارزارهای بی شمار می گذرد. هر قدم این راه دراز، باک سنگر و باک میدان مبارزه است، در سر هر پیچ، عجز و امیر بایسیم، با باک نقاب و باک سحر و افسون جدید، در کمن است، در هر جوب، در هر روزنه و رخبه و پشت هر سنگ و خاشاکی، ارتجاع زخم خورده و متواری شده، اما چیره عوض کرده، در انتظار فرصت مناسب است. آنها نبرد را با یابان نانه نمی دانند. آنها سودهای زهر آگسی در سر می بروراند:

— هنوز سخت ترین و بیجاده ترین یسکارها در پیش است. فاتح واقعی آن کسی است که در نبرد نهایی پیروز می شود.

دشمن به ریشه های کین خود که در امتداد خاکی های وطن بنیان است، تکه دارد، او روی هر ذره اختلاف و هر سانیتس شکاف در جبهه ای که در مقابل دارد، حساب می کند. او در میان سنگر های انقلاب بر سه می زند و بندر های سبی خود را به شکل های مختلف می باشد.

در طلعه سال نو، همیشه تلاش او، بنام اتحاد هر چه مستحکم تر همه مبارزان، همه رنجبرندگان قرون توحش و استبداد و تاراج است، بنام این واقعیت زنده و خطیر است که هنوز و تا مدت های مدید دوجبهه بیشتر در بینه تحول ایران وجود ندارد: جبهه انقلاب و ترقی و جبهه ارتجاع و امیر بایسیم و هر نوع برزندی دیگر جز این، هر نوع برداشت و تبلیغ که این برزندی طبیعی و واقعی را بتنامی یا به نقیسه نبوشاند، به نوعی انکار کند، آن را غیر عمد و فرعی جلوه دهد، آب در آسیاب ارتجاع و امیر بایسیم می ریزد؛ دانسته، نا دانسته، به طور عمد، با احتیاط به طور سهوی...

مرز انقلاب و ضد انقلاب، مسلمان و مارکسیست، مبارز جریرک دبروز را از زحمتکشان دارای عقاید مذهبی، به طور تصنعی و زبان پرور از هم جدا نمی کند و در برابر هم قرار نمی دهد. بر عکس در این جبهه همه مبارزان ملی و کوشندگان واقعی — و نه زبانی — راه استقلال و دموکراسی و پیشرفت، به هم گره می خورند، مثل انگشت های یک مشت، درهم قفل می شوند و بدین وسیله میاجمتر و شکست ناپذیر تر می گردند.

طلعه سال نو ضمن پیام وحدتی که در گوش ها می خواند، چشم انداز تلاش و مبارزه های برای هر چه غنی تر، شاداب تر و پیشرفته تر کردن محتوای قانون اساسی جدید می گشاید، قانونی که از یک سو باید به درستی مواز نفع بدین و هالی طمقانی را منعکس کند و از دیگر سو سکوهای جبهه انقلاب را به سوی تکامل خوشی، بنیاد گذارد، ضرورت های خاد جامعه و مقتضیات جهان معاصر را با درک نیروهای رونده این جهان منعکس کند... رفراندومی که باید به طور رسمی تاریخ جدیدی را گشاید و کابوس شاهنشاهی را از گردن اراده آزاد مردم بردارد... و محمل های نیرومند و استواری که دموکراسی سیاسی و اقتصادی را به طور کیفی رشد دهد و حراست کند و نیروی خلاق مردم را به تنهایی، و در همه شئون در بازسازی مخروبه شاهنشاهی به کار گیرد، صرف نظر از نوع جنس و مسلک و آرا و نظرات سیاسی و مذهبی و اجتماعی...

طلعه سال نو بدینسان با بیان یک نبرد و آغاز مجاهدت های تازه ای است. از آفتاب نیروبخش بهار بنوشیم، مبارزه بزرگی هنوز در پیش است.

حزب توده ایران به جمهوری اسلامی رای مثبت می دهد

حزب توده ایران به سؤال مطرح شده در همه پرسشی راجع به جمهوری اسلامی رای مثبت می دهد. هموطنان! حزب توده ایران برنامه خود را درباره ضرورت تحول بنیادی در جهت تحکیم استقلال ملی، دموکراسی و سالم سازی اقتصاد کشور، رفاه عمری و پیشرفت اجتماعی بیان داشته و نظرش در این باره مشخص و روشن است.

ما مدت ها است که نظر خود را در باره ضرورت ایجاد یک جمهوری متکی بر اراده خلق بیان داشتیم. بدیهی است که بر اساس منشی خود به سؤال بقیه در صفحه ۲

ما و رفراندوم

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره رفراندومی که در پیش است هفته پیش به وسعت منتشر شد و متن آن در این شماره روزنامه درج شده است در این اعلامیه گفته شده است حزب توده ایران به جمهوری اسلامی، رای مثبت می دهد. با آن که منشی پیکر تحکیم وحدت صفوف نیروهای ضد امپریالیستی و ترقی خواه که حزب توده ایران سالها و سالهاست به نهنایی و بدون احساس خستگی دنبال می کند برای بسیاری از محافظ با حسن نیت آشناست و لذا سیاست حزب در

بقیه در صفحه ۵

به اعضای حزب توده ایران مقیم خارج کشور گذرنامه بدهید!

دریافت دارند.

حزب توده ایران، چنان که بر همگان روشن است، آن سازمان سیاسی است که بزرگترین آسیب ها را از رژیم جابر و فاسد شاه معزول نموده و مدتها و هزارها تن از اعضای آن تیرباران، زندانی و یا به علت وجود احکام جابرانه دادگاه های نظامی و تعقیب کین چوپانان ساواک نا کریر به جای وطن شده اند. همه این مناب را به سبب اعتقاد راسخ خود به استقلال واقعی سیاسی و اقتصادی میهن و دموکراسی و حقوق توده های زحمتکش جامعه منجمل شده است.

ما اطمینان داریم که دولت موقت با الهام از رهبری آیت الله خمینی دستورهای لازم را برای تأمین بازگشت همه پناهندگان سیاسی توده ای از خارج به کشور هر چه زودتر صادر خواهند نمود و بدینسان به یکی دیگر از فصول تاریخ پیدادگری رژیم گذشته پایان خواهند بخشید. کمیته مرکزی حزب توده ایران

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان
نخست وزیر دولت موقت انقلاب اسلامی ایران

جناب آقای کریم سنجابی وزیر امور خارجه دولت موقت انقلاب اسلامی ایران

رو نوشت روزنامه های اطلاعات، کیهان و ایندکان

کمیته مرکزی حزب توده ایران به این وسیله از منامات عالی دولت موقت خواستار است دستورهای لازم را صادر کند تا اعضای حزب توده ایران خانواده های شان که به علت معتدات و فعالیت سیاسی خود در دوران رژیم گذشته نا کریر به اقامت در خارج از کشور شده اند، گذرنامه رسمی را برای بازگشت خود بهمین، بدستور شرکت سازنده در کار ایجاد جامعه نوین انقلابی ایران از سفارت خانه های ایران،

بقیه در صفحه ۵

پیشنهاد پلنوم...

زنان زحمتکش در دوران پیش و بعد از زایمان،

— ایجاد شبکهٔ وسیع زایشگاه‌ها و شیرخوارگاه‌ها و کودکان‌ها برای استفادهٔ زنان زحمتکش.

۴. کارمندان

— تقسیم صحیح کار در ادارات، ترفیع براساس آزمون‌دی و کیفیت کار و سوابق خدمت.

— تجدیدنظر در قوانین استخدامی بر بنیاد دموکراتیک وجلوگیری

از هر گونه تبعیض در مورد آنان.

— تأمین مسکن مناسب برای کارمندان.

— شناسائی حق تشکیل سازمان‌های منفی برای همهٔ کارمندان مؤسسات و ادارات دولتی و خصوصی و تأمین حق اعتصاب.

۵. جوانان

— تجدید نظربنیادی در نظام آموزش.

— رایگان بودن آموزش از دبستان تا دانشگاه و پرداخت مددعاش دولتی بهزرفرندان کارگران و کشاورزان و کارمندان کبدروآمد.

— گسترش شبکهٔ آموزش‌های حرفه‌ای رایگان.

— تأمین امکانات وسیع‌وزشی و تفریحی‌بدنی و توسعهٔ مؤسسات

ورزشی و ایجاد باشگاه‌های فرهنگی در شهرها و روستاها.

— تأمین کتابخانه‌ها و قرائتخانه‌های دولتی عمومی در سراسر

کشور با حق استفادهٔ رایگان از آنها.

۶. پیشاوران

— واگذاری اعتبارات دولتی برای پیشرفت کار در رشته‌های کوناگون پیشوری.

— تشکیل اتحادیه‌های ویژهٔ پیشوری برای دفاع از خواست‌ها

و منافع منفی پیشوران.

— تشویق کارهای سنتی هنری ملی.

و. در زمینهٔ فرهنگ

۱. ریشه‌کن ساختن همهٔ آثار فرهنگ استعماری از زندگی روزمرهٔ مردم.

نفت خواران مفت خوار دست بردار نیستند

هفته‌ای گذشت جو سیاسی ایران‌به‌شدت

امپریالیستی بود. رهبران مذهبی، سیاسی آشکارا امپریالیست و محکوم گردید و در عرض یک هفته تظاهر وسیع شد امپریالیستی برگزار شد. پیلان هفته را باید بهفال نیک گرفت وامینواو هتو که نبرد شد امپریالیستی مردم ایران که نبرد اصلی مرحلهٔ کنونی تکامل جامعه‌است با شدت دنبال نمود.
آیت‌الله خمینی در اجتماع کارکان مهاجرات گفت: «ما الان در بین راه هستیم راه تمام نشده است. آنهایی که خیانت‌کار و جایت‌کار بوده‌اند، ریشه‌هایان باز موجود است. جایت‌کارهای رنج‌خوارهایم‌مخا‌خوار دست‌بردار نیستند. باید هشیار باشید باید بیدار باشید. عمل آنها می‌خواهند دربین‌طبقات تفرقه ایجاد کنند…»

آیت‌الله طالقانی در یک مسأحهٔ مطبوعاتی گفت: «مبارزات وگو‌گو‌سالهٔ اخیر براین مینا بوده که یک کنوری باشیم به‌اصطلاح غیر متعهد. تر ما از اول این بوده و می‌ب‌وجوه و نسبت به‌هیچ کنوری تمهید خاصی نبرده‌ایم.ب‌دیرت‌گی آیت‌الله طالقانی در جای دیگری گفت: «من شواهد زیادی دارم که «سپاه» و ساواک توطئه می‌کنند…»
عالم رژیم سابق هستند. «سپاه» هم پنت سر آن‌هاست. منافعی که از غرب در اینجا محدود شده یا از بین رفته که شوخی نیست. آن مستشارانی که اینجا بودند آنها تنها خودشان که بودند عمداً چهرهٔ ایرانی داشتند. خودشان رفتند و این چهره‌های ایرانیش که مانده‌اند و فعالیت می‌کنند مردم باید با هشیارای متوجه تحریکات آنها باشند…»

عین همین ادبیه‌ها در رایبیهائی عظیمی که روز شنبه گذشته به‌دعوت‌انجمن دانشجویان مسلمان علیه سیاست‌های تاجوزکارانه امپریالیسم امریکا با‌هم‌جایات از خلق فلسطین انجام شد. از جانب سخنرانان شرکت‌را شد و مورد تأیید صدها هزار نفر شرکت‌کننده قرار گرفت.

اما از زمانی‌که انقلاب ایران پیروز شده، کشورها از پیمان اسارت‌بار ستون بیرون آمده و اعلام کرده است که کرسیوسیم بین‌المللی نفت را کنار گذاشته و نفت خود را مستقل و بر مبنای اصل ملی شدن خواهد فروخت خشیاستعمارگران انگلیسی زیانه کشیده و وقاحت را از حد گذرانیده‌اند.

اعتراض شدیدالحن وزارت خارجهٔ

۲. گسترش شبکهٔ آموزش و پرورش در سراسر کشور، رفع کمبود شدید عالی و دانشگاه‌ها.

۳. توجه خاص به‌ترقی فرهنگ مناطق عقب نگاه‌داشته شده.

۴. ایجاد سیستم فرهنگ ملی برای خلق‌ها و اقلیت‌های ملی و

تأمین آموزش به‌زبان مادری.

۵. ایجاد فرهنگستان علوم ایران و تشکیل شبکهٔ وسیع پژوهش—

گاه‌های علمی و فراهم کردن شرایط لازم برای کار خلاق و تفریخش

داشتمندان.

۶. کمک مؤثر به‌گسترش و رشد مطبوعات و انتشارات مترقی

دموکراتیک.

۷. تأمین شرایط لازم برای پیشرفت آفرینش هنری.

۸. تأمین آزادی برای نویسندگان و هنرمندان برپایهٔ خواست‌های

حقهٔ سازمان‌های منفی آنها.

ز. در زمینهٔ دفاع از حقوق زندانیان سیاسی،

محکومان رژیم سابق و خانواده‌های قربانیان علیه استعمار و استبداد.

۱. اعلام بیدردگی بی‌اعتبار بودن کلیهٔ دادگاه‌های نظامی

علیه مبارزان ضد رژیم سابق و اعادهٔ حیثیت از همهٔ آنان.

۲. تشکیل فوری کمیسیونی با شرکت نمایندگان منتخب زندانیان

سیاسی برای تعیین و جبران کلیهٔ خسارانی که در نتیجهٔ زندانی شدن

بهاین مبارزان وارد آمده است.

۳. اختیارات و امکانات قانونی و مادی این کمیسیون برای جبران

این خسارات باید از طرف دولت تأمین گردد.

۳. کمک فوری و در صورت لزوم تعیین مستمری بازماندگان

قربانیان رژیم سابق توسط کمیسیون خاصی با اختیارات قانونی و مادی

لازم.

چنین است رئیس کلیهٔ برنامه‌های که به‌نفع حزب تودهٔ ایران

می‌تواند همهٔ نیروهای مدافع انقلاب ملی خلق قهرمان ایران را — از

مبارزان پیشگیر راه آیت‌الله خمینی گرفته تا حزب تودهٔ ایران و سایر

نیروهای انقلابی چه، در یک جبههٔ واحد و متحد گردآورد — چه‌های

۲

که بتواند تسلط امپریالیسم را در کلیهٔ شئون براندازد، ثروت‌های ملی و قدرت اقتصادی را از چنگک عناصر غارت‌گر، یعنی سرمایه‌داران‌بزرگ واپسته به‌امپریالیسم بیرون کند و به‌سود خلق به‌کار اندازد.

فقط در پرتوی چنین جبههٔ متحد و تحقق چنین برنامهٔ مشترک است که می‌توان دستاوردهای انقلاب خلق ملی برای خلق‌ها و به‌خواست‌های خلق انقلابی جامعهٔ عمل پویانید.

حزب تودهٔ ایران همهٔ نیروهای انقلابی و در درجهٔ اول همهٔ گروه‌های مبارز پیرو راه آیت‌الله خمینی، سازمان مجاهدین خلق چریک‌های فدائی خلق و همهٔ گروه‌های سیاسی و سازمان‌های ملی و دموکراتیک دیگر را به‌بررسی این پیشنهاد حزب تودهٔ ایران دعوت می‌کند.

هر پیشنهاد دیگری که در این زمینه مطرح گردد اعلام می‌کند.

هم‌میهنان، مبارزان راستین راه خلق

و دسیسه‌های دشمن در پیش دارد. دشمنان خلق هنوز نیرو و امکان فراوان در اختیار دارند. تاریخ انقلاب‌ها به‌ما می‌آموزد که پیروزی

انقلاب به‌مراتب آسان‌تر از سامیدن انقلاب به‌فرجام آست. تجربهٔ انقلاب‌های اجتماعی بزرگ به‌ما نشان می‌دهد که دشمن شکست‌خورده

در دوران پس از انقلاب سرسختی و مقاومتش ده‌چندان می‌شود. دشمن

مردم ایران — ارتجاع و امپریالیسم — درون کشور سرکوب شده ولی به‌هیچ‌وجه از پای درنیامده است. تنها با وحدت عمل و اتحاد کلیهٔ

نیروهای ملی و مترقی، با فداکاری و فاطمیت انقلابی در گریش برنامه‌های سیاسی و اجتماعی است که می‌توان براین دشواری‌ها پیروز

شد و دسیسه‌ها و توطئه‌های مخوف اشراز دشمن خلق را عظیم گذاشت.

حزب تودهٔ ایران برای تشکیل جبههٔ متحد خلق تمام نیرو و

امکانات خود را به‌کار خواهد برد.

پیروز باد انقلاب سترگ خلق دلآور ایران!

فرقرار باد جبههٔ متحد خلق، نیرومندترین اهرم پیروزی بر دشمن

مترکز!

تابناک باد خارطهٔ شهیدان راه آزادی، استقلال ملی و پیشرفت

اجتماعی ایران!

سر‌ب‌تر و فاطعانه‌تر به‌این‌نوع اقدامات

پایان دانه شود و مرتکبین آن که

آشکارا به‌حریم آزادی ودموکراسی

این دستاورد پ‌راج انقلاب خلق

قهرمان‌ایران — تجاوز کرده‌اند بورد

بازخواست فرار گیرند و دست‌ورآکند

برای جلوگیری از تظایر اینگونه

دبیرخانهٔ حزب تودهٔ ایران ۱۳۵۷/۱۲/۲۷

ضدانقلاب را آزاد نگذاریم

سالیان دراز است که ملت ایران از ارتجاع و استبداد داخلی و از تسلط امپریالیسم بین‌المللی در امور اقتصادی و سیاسی کشور ما رنج کشیده است. ارتجاع‌داخلی برای ادامهٔ تسلط‌خود برشئون اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی کشور ازوما به‌امپریالیسم تکیه دارد و برعکس، شاه که نمایندهٔ عالی ارتجاع داخلی و عامل همهٔ امپریالیسم جهانی بود، مبارزهٔ ضد کبلمقیضات و گروه‌های ضد استبداد و ضد امپریالیسم از حختهٔ سیاست به‌دش در شد و ارکان به‌ظاهر قدرتمند آداری آن در اثر خنربات کوبندهٔ انقلاب منزلزل و مخروبه و شکاف‌دار گردید. ولی ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی‌به‌تمتضای طبیعت خود مودنیانه کوشیده‌اند ضمن عقب‌نشینی چانه‌زندن و تخم سفور آتش خود را در پهنه و محضهٔ انقلاب بیاشند. آنها سعی می‌کنند تا حد مقدور ارتش را که مجری منویات آنها بوده است بازسازی کنند. ژاندارمری و شهربانی دوران پهلوی را که به‌جای حراست جان و مال و ناموس و حیثیت مردم فقط و فقط مأموریت خود را حفظ پایه‌های ظلم، ارتجاع و غارت امپریالیسم بین‌المللی به‌قیمت تجاوز به‌جان و مال و ناموس مردم می‌جانستند، زنده کنند، ساواک و سایر سازمان‌های ضد را تجدید سازمان دهند. بدین منظور عوامل خود را بسپیح نمودند و در کمیته‌های انقلابی و سایر سازمان‌ها روسخ کرده‌ند. و کوشیدند انقلاب را از مسیر صحیح خود منحرف سازند. اعلامیهٔ داستان انقلاب مبنی برتکلیف به‌آموران ساواک به‌خروج از کمیته‌ها و معرفی خود در عین جواب دیر و غیر کافی است زیرا این وظیفهٔ انقلابیون است که آنها را ببینانند و اخراج نمایند نه‌وظیفهٔ مأموران ساواک که خود را معرفی‌نموده و خارج شوند. بعلاوه باید عات ورود آنان شناخته شده و عملکرد آن‌ممتوقف شود و کرئه عات مزبور مجدداً و متوالیاً عمل می‌کند. به‌نظر ما عات آن‌بوده است که به‌حدکافی به‌نوده‌های زرمنده تکیه‌نمی‌شود و آزان‌درشناسائی و معرفی عوامل ارتجاع و امپریالیسم استمداد نمی‌شود. استدلال رئیس دولت‌انقلابی‌مبنی براین‌که انقلاب کسی را ندارد در راس ارتش، ژاندارمری و شهربانی بگذارد بناچار باید از امرای قدیم ارتش استفاده کند نمونه‌ای است براین‌که دولت انقلابی نمی‌خواهد از مردم کمک گرفته دست‌یاری به‌سوی آنان درازکند. نداشتن شخص شایسته برای جامعه عمل پوشاندن به‌هدف انقلاب و دعوت دشمن انقلاب به‌خدمت برای تحقق هدف انقلاب امری است باورنکردنی.

کسانی که آن‌قدر شایستگی داشته‌اند انقلاب را به‌قدر رسانند و ازکشته‌شدن و جسی و شکنجه و تبعید نهر‌رسیده‌اند قطعاً شایستگی دارند که در راه تحقق هدف‌های انقلاب عهددار کلیهٔ امور شوند. فقط آنها حق‌دارند عهددار ادارهٔ جامعه شوند، عناصر ضد انقلابی را مشخص سازند. تنها هزار نفر از عناصر ضد ملی ارتش، ژاندارمری، شهربانی، ساواک، وکلای مجلس، وزراء، معاونین و مدیران کل و رؤسای وزارتخانه‌ها و ادارات و پادوهای آنان و مترعیین پاساواک را معرفی نمایند و نوع عملی که انجام داده‌اند و زمان و مکان آن‌را ذکر نمایند. در این امر مهم و بزرگ همهٔ توده‌ها باید دعوت به‌یاری شوند و اطلاعات آنان در کمیته‌های مخصوص بررسی شده و اطلاعات صحیح‌ومعدل علیه اشخاص فوق مورد استفاده قرار گیرد.

لازم است برای کلیه اشخاص یادشده دربالا پرونده تشکیل شود و گذشتهٔ آنان مورد رسیدگی قرار گیرد. در بین آنان کسانی هستند که مرتکب قتل نگرددیده‌اند ولی عمل آنها آنتیجان اثرات منفی برجامعه باقی گذارده است که قتل یک یا صد یا هزار نفر در برابر آن ناچیز است. باید اموال اختلاس شده و از تدلیس و رشوه تحصیل شده اعم از آنکه در داخل یاخارج مسئول طلب می‌کنیم که هرچه

۳

پیشنهاد پلنوم کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

برای تشکیل جبههٔ متحدهٔ خلق

همه‌باهم درجبههٔ متحد خلق، برای بارورکردن انقلاب

ملی و دموکراتیک به‌سود زحمتکشان و قشرهای میانه‌حال جامعه

پیعهٔ خصوصی و واحدی بزرگ سمنی و کشاورزی که در دست کارگران و سرمایه‌داران بزرگ و وابسته به‌رژیم سرکون شده متمرکزند و به‌طور عمده با سرمایه‌های امپریالیستی پیوند دارند.

۳. ضبط همهٔ تروهای مهربانی‌بخشانهٔ پهلوی، کوش

در بازگرداندن ثروت‌هایی که توسط این افراد به‌خارج منتقل شده است.

ضبط کلیهٔ ثروت‌هایی که گردانندگان رژیم سابق کارگران امپریالیسم

در طول بیش از پنجاه سال تسلط این رژیم به‌خارج برده‌اند. مساعدهٔ

زمین‌های متعلق به‌زمین‌خواران بزرگ و سفته‌بازان زمین‌های شهری و

واگذاری آن به‌ثورهای شهرستان‌ها و شهرها و بخش‌ها برای ساختن

خانه جهت زحمتکشان.

۴. العای قرارداد تحمیلی کرسیوسیم بین‌المللی نفت، جلوگیری

از افزایش مأمول نفت و کاربرد شیوه‌های فنی صحیح در زمینه بهره‌برداری از منابع نفت به‌منظور حفظ هرچه طولانی‌تر ذخایر گرانهای

نفت کشور، جلوگیری هرچه سریع‌تر از هدر رفتن گازهای طبیعی و

فراهم ساختن شرایط لازم برای استفادهٔ صحیح از این ماده گرانها.

۵. القای کلیهٔ قراردادهای پر هزینهٔ ایجاد نیروگاه‌های هستای

و موافقت‌نامه‌های مربوط به‌دفن زیاده‌های اسی در خاک کشور ما.

۶. گذربرد برنامهٔ ریزی علمی در کلیهٔ شئون اقتصادی کشور.

۷. صنعتی‌کردن کشور، گسترش رشته‌های گوناگون صنایع سنگین

و سبک برپایهٔ استفاده از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی دوران ما،

با توجه به‌اولویت، امکانات و نیازمندی‌های واقعی جامعه.

۸. تمرکز رشته‌های اساسی صنعت، بانکداری و بیمه در دست دولت،

دموکراتیزه کردن بخش دولتی و قراردادن آن در دست خلق.

۹. اجرای اصلاحات ارضی بنیادی از طریق مساعدهٔ زمین‌های

متعلق به‌زمین‌داران بزرگ و ملی‌کردن مؤسسات بزرگ خصوصی‌کشاورزی،

دایرکردن زمین‌های بازر و به‌مقدور تأمین زمین کسافی برای دهقانان

بهمیزمین و کم زمین و کشاورسانی که به‌عنوان کارگر در مزارع فار

می‌نشدند، تضمین مالکیت دهقان، ملی‌کردن مؤسسات شد و صنعت.

۱0. بسط همه‌جانبهٔ بازرگانی داخلی و کمک مؤثر به‌ترقی آن

به‌منظور گسترش و تحکیم بازر داخلی پایان دادن به‌سیاست تبعیض‌آمیز

درهای باز و ایجاد شرایط لازم برای تأمین فعالیت‌مومند سرمایه‌های

داران ملی.

۱۱. تجدیدنظر در توزیع درآمد ملی، برمبنای تنظیم و تعدیل

بودجهٔ دولتی، با توجه به‌اصل اولویت‌های اقتصادی، حذف کلیهٔ هزینه

های زائد و تخصیص اعتبارات لازم برای رشد سریع و همه‌جانبهٔ اقتصاد،

فرهنگ و آموزش عالی.

۱۲. اصلاح بنیادی سیستم مالیاتی به‌سود شغلیین کارهای حسی و

فکری در شهر و ده.

۵. در زمینهٔ بهبود زندگی

۱. کارگران

— تأمین شرکت برابر کارگران در ادارهٔ امور مؤسسات سمنی

و کشاورزی و از آن‌جمله در تنظیم برنامهٔ تولید و برقراری تناسب

علاقه میان سود و دستمزد.

— تنظیم قانون کار بر بنیاد دموکراتیک

— تأمین اشتغال و تلقی آن به‌مشابهٔ حق مسلم شهروندان کشور،

از میان بردن بیکاری در سراسر کشور.

— به‌وسعتی شناختن قراردادهای سمنی و ایجاد تضمین‌های

لازم برای اجرای آنها.

— افزایش فوری دستمزدها، متناسب با کار و نیازمندی‌های درجه

اول مادی و معنوی زحمتکشان و خانواده‌های آنها، با توجه به‌نوسانات

هزینهٔ زندگی.

— کاهش ساعات کار در هفته در همهٔ رشته‌های تولیدی و افزایش

مدت مرخصی سالانه با استفاده از حقوق با توافق نمایندگان منتخب

کارگران.

— تنظیم قوانین مترقی بیمه‌های اجتماعی به‌سود همهٔ زحمتکشان

و خانواده‌های آنها، تأمین خدات پزشکی و داروی رایگان برای آنان.

— تأمین مسکن مناسب برای کارگران.

— تعدیل نظر در طیف‌بندی متاعل.

— افزایش مستمری کارگران بازنشسته.

۳. در زمینهٔ اقتصادی

۱. ریشه‌کن ساختن تسلط امپریالیسم از کلیهٔ شئون اقتصادی کشور،

از طریق القای کلیهٔ قراردادهای اسارت‌آور.

۲. ملی کردن کلیهٔ مؤسسات منتخب، کشاورزی و مالی متعلق به‌بانکارها و دولت‌های امپریالیستی، ملی‌کردن بانک‌ها و مؤسسات

هم‌میهنان عزیز، رزمندگان و مبارزان راه خلق!

هم‌میهنان عزیز، رزمندگان و مبارزان راه خلق!

پلوم کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، پادریک عمیق مسئولیت خطیر ملی و میهنی خویش، در این لحظات حساس تاریخی توجه شما راهپیک سلنهٔ ناکت مهم و اساسی برای حفظ دستاوردهای انقلاب و برون‌رفت کشور از بحرانی که طی دههٔ سال فرمانروائی امپریالیسم و رژیم دست‌نشاندهاش کربانگیر میهن ما شده است، جلب می‌کند.

با سرکوفی رژیم فاسد سلطنتی و اعلام دولت موقت انقلابی، نخستین مرحلهٔ انقلاب ملی و دموکراتیک ایران به‌پیروزی عظیم تاریخی دست یافت. در این انقلاب بزرگ، همهٔ مردم، سواى گروه ناچیز خان به‌منافع ملی، در یک جبههٔ متحد شرکت کردند و با جانپاشی‌های کهنلتییر خود صفحات درخشانی به‌تاریخ انقلاب‌های خلق‌های ستیزدهٔ جهان افزاویونسند.

خلق قهرمان ایران، از همان نخستین روزهای گسترش برنشاط جنبش انقلابی خویش، خواست‌های اساسی خود را به‌شرح زیرین مطرح ساخت:

— برانداختن نظام فاسد سلطنتی و درهم شکنش دستگاه خیانت، غارت، اختناق، جنایت و فساد.

— استقرار جمهوری متکی برارادهٔ خلق و تأمین کامل کلیهٔحقوق

و آزادی‌های فردی و اجتماعی و دموکراتیک.

— پایان دادن به‌تسلط نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی‌امپریالیسم.

— برچیدن بساط غارتگری بی‌بند و بار سرمایه‌داران بزرگ وابسته

به‌امپریالیسم فردی و زمین‌خواران و زمین‌داران بزرگ، بازگرداندن ثروت‌های

غارت شدهٔ ملی به‌مالکیت همگانی خلق.

— ایجاد نظام عادلانهٔ اقتصادی برپایهٔ بهره‌برداری معسول از

ثروت‌های ملی و استفادهٔ صحیح از نیروی کار انسانی برای تأمین

مسلط و اجتماعی و بهبود زندگی ده‌ها میلیون زحمتکش شهر و روستا.

درهم کوفتن رژیم درنده و خون‌آشامی که هم خود تا بن دندان

سیاسی کشور ازوما به‌امپریالیسم تکیه دارد و برعکس، شاه که نمایندهٔ عالی

ارتجاع داخلی و عامل همهٔ امپریالیسم جهانی بود، مبارزهٔ ضد کبلمقیضات

و گروه‌های ضد استبداد و ضد امپریالیسم از حختهٔ سیاست به‌دش در شد و ارکان

به‌ظاهر قدرتمند آداری آن در اثر خنربات کوبندهٔ انقلاب منزلزل و مخروبه و شکاف‌دار گردید. ولی ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی‌به‌تمتضای طبیعت

خود مودنیانه کوشیده‌اند ضمن عقب‌نشینی چانه‌زندن و تخم سفور آتش خود را

در پهنه و محضهٔ انقلاب بیاشند. آنها سعی می‌کنند تا حد مقدور ارتش را که

مجری منویات آنها بوده است بازسازی کنند. ژاندارمری و شهربانی دوران

پهلوی را که به‌جای حراست جان و مال و ناموس و حیثیت مردم فقط و فقط

مأموریت خود را حفظ پایه‌های ظلم، ارتجاع و غارت امپریالیسم بین‌المللی

به‌قیمت تجاوز به‌جان و مال و ناموس مردم می‌جانستند، زنده کنند، ساواک

و سایر سازمان‌های ضد را تجدید سازمان دهند. بدین منظور عوامل

خود را بسپیح نمودند و در کمیته‌های انقلابی و سایر سازمان‌ها روسخ کرده‌ند.

و کوشیدند انقلاب را از مسیر صحیح خود منحرف سازند. اعلامیهٔ داستان

انقلاب مبنی برتکلیف به‌آموران ساواک به‌خروج از کمیته‌ها و معرفی خود

در عین جواب دیر و غیر کافی است زیرا این وظیفهٔ انقلابیون است که آنها

را ببینانند و اخراج نمایند نه‌وظیفهٔ مأموران ساواک که خود را معرفی‌نموده

و خارج شوند. بعلاوه

مسائل انقلاب ایران
نظری به پیام آقای مهندس مهدی بازرگان
 اقتصادی به سود خویش طلب می‌کند. و آیت‌الله خمینی خواسته است به این خواست مردم به نوبتی جواب داده باشد. حرف نخست‌وزیر دولت موقت انقلابی علیه اقدام آیت‌الله خمینی زمانی می‌تواند منطقی باشد که نه فقط از نظر شکل بلکه به ویژه در محتوی درست باشد. مهندس بازرگان وقتی می‌تواند امیدوار به پشتیبانی مردم باشد که در همان جهت مطالبات توده مردم دست به اقدامی سنجیده‌تر از مؤثرتر از امام خمینی بزند. حالا که عده‌ای می‌روند و پشت گوش امام می‌خوانند که چنین است و چنان است و امام را وادار می‌کنند دستوراتی بدهد که همه جوانب سنجیده نشده، وظیفه دولت انقلابی است که پیشقدم شود، خودش تصمیمات قاطع سنجیده بگیرد و به وعده‌هایی که در جریان انقلاب داده شده جامعه عمل ببوشاند. در این صورت و فقط در این صورت است که می‌تواند کار انقلاب را پیش برد.

از کدام زاویه

پیام مهندس بازرگان برای نشان دادن زاویه دید طبقاتی می‌تواند گفت که نمونه‌وار است. در این پیام لحن گنگار نسبت به کارگران کارمندان و سربازان با لحن گنگار نسبت به سرمایه‌داران تفاوت آشکار دارد. ایشان هروقت از کارگران و زحمتکشان یاد می‌کند ناخودآگاه خشمگین می‌شوند و جملات تندی می‌آورند، مثلا می‌گویند:

«کسانی که برآستی و با

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به رفقای گروه متمرکز در سازمان چریک‌های فدایی خلق «وابسته به حزب توده ایران»

رفقای عزیز! شما با قلبی آکنده از عشق به آزادی و سعادت خلق زحمتکش ایران در یکی از مبارک‌ترین ادوار تاریخ میهن عزیز ما به پا خاستید. عشق آتین و اراده آهنین شما، صداقت و صمیمیت شما به‌ادر طیفه کارگر و سایر زحمتکشان کشور ما، به استقلال و آزادی میهن ما توأم با روح جستجوگر و نقاد شما، راه رسیدن به حزب توده ایران، حزب طراز یون طیفه کارگر را برپا نهاد. مبارز ساخت. شما با دقتی موشکافانه به مطالعه و بررسی تاریخ حزب، هویت حزب و اهداف حزب پرداختید. پیش‌داوری‌های محدود کننده را کنار گذاشتید و در روزگاری که حزب توده ایران زیر ضربات عمسال امپریالیسم و عوامل سربرده آن قراردادش و دشمن از برداختن به انواع اتهامات ناروا و بوج برای بی‌اعتبار کردن این دژ مستحکم مبارزات خند استبدادی و ضد امپریالیستی از همه امکانات جهنمی خود سود می‌جست، شما حرکت تدریجی ولی مطمئن خودتان را به‌سوی حزب ادامه دادید.

رفقای عزیز! تازم وارد نیستید و مدت‌هاست زیر پرچم پر افتخار حزب توده ایران به یکبار سرسخت و تیردی دایره‌ای متغولید، این اقدام - اعلام ادغام سازمان شما در سازمان متمرکز حزب توده ایران - در راسمیهام تیرک می‌گویم و برای شما در مسازره خستگی ناپذیرتان در حزب طیفه کارگر، به خاطر تحقق آرمان‌های و الای طیفه کارگر، برای تأمین استقلال و آزادی میهن عزیزمان آرزوی موفقیت دارم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

اطلاعیه ادغام «گروه منتخب از سازمان چریک‌های فدایی خلق» در سیستم سازماندهی جدید حزب توده ایران

بدین وسیله به آگاهی هم‌مبارزان می‌رساند: از آنجا که آغاز فعالیت علنی حزب توده ایران لزوم فعالیت گروه ما را در چهارچوب سازماندهی پیشین (سیستم غیرمتمرکز) منتفی ساخته است نتیجتاً برای گروه ما به شکل قبلی و تحت نام پیشین غیرالزام می‌گردد، لذا از این پس هیچ‌گونه اعلامیه و یا نشریه‌ای تحت نام سابق گروه منتشر نخواهد شد.

گروه ما با اعلام ادغام خود در سیستم تشکیلاتی متمرکز و علنی حزب توده ایران در ندرت بی‌پایان آن چشمه‌چونایی حل می‌شود که آینده جنبش انقلابی و سرودن جامعه ما در پد توانای آن قرار گرفته است، حزب ما قدرت خود را مستقیماً از مبارزات سرگ توده‌های میابونی زحمتکشان کسب می‌کند.

زننده‌باد حزب توده ایران، حزب طراز نون طیفه کارگر ایران ۱۳۵۷/۱۲/۲۵

به‌ادما کشته داده و زحمت کشیدند، مجروحیت‌ها و گرفتاری‌ها را تحمل کردند، ادعا دارند که صاحبخانه‌ها باشند، همه‌کاره باشند، در همه جا سهیم باشند و...

در جای دیگر: «کارگرانی که دستمزد نگرند، و یا کم گرفتند حالا راد افتادند می‌خواهند، فوری هم می‌خواهند، پول می‌خواهند، خیلی هم می‌خواهند، فوری هم می‌خواهند، پاداش عید هم می‌خواهند، سهم سود هم می‌خواهند... می‌گویند سهم ما نباید گوشه‌اش هم کم بشود.» و اما درباره سرمایه‌داران ایشان معتقدند که:

«کارفرماهایی که ماندند مثل شماها (کارگران) هستند. این‌ها از کجا بدهند. آن بازاری که چند ماه مغازه‌اش تعطیل بود یا مغازه‌داری که در شهرسان‌ها مغازه‌اش را آتش زدند، غارت کردند، خانه‌شان را خراب کردند... ما از آنها خجالت می‌کشیم. و قرات است صورت بدهند که دولت به‌آنها کمک کند و جبران خسارت را بکند.»

در چند جای دیگر نیز آقای بازرگان با محبت اضافی نسبت به سرمایه‌داران و بی‌میلی نسبت به کارگران و زحمتکشان سخن می‌گوید و سهم سرمایه‌داران را در انقلاب برچسته می‌کند (اگر به گفته آیت‌الله خمینی یک تاجر در میان شهدا نیست).

باری اصل مطلب اینجا نیست. جنبش مردم ایران جنبش وسیع ضد امپریالیستی و دموکراتیک بوده و در آن همه قشرهای ملی از جمله سرمایه‌داران و به‌طریق اولی پیشه‌وران و اصناف شرکت کرده‌اند و همگی در انقلاب دارند و باید که خسارشان جبران شود.

اما برش اینجا است که وقتی می‌تواند این خسارت را از بودجه دولت پرداخت، چرا دستمزد کارگران را نمی‌تواند پرداخت؟ کارگری که دستمزدش روزانه است و چه بسا نان شبش را هم از نانوائی نسیه‌می‌خورد و سالانه مبالغ زیادی ربح وام می‌پردازد - که حرام است - و وقتی چندماه دستمزد نگرفته از کجا زندگی کند؟ چگونه می‌تواند چطور می‌شود که او را مسخره کرد که چرا «می‌خواهد و فوری هم می‌خواهد» و خیلی هم می‌خواهد؟ و در مورد پاداش و سهم کارگر از سود ویژه نیز فعلاً خود آقای مهندس بازرگان بهتر از ما می‌داند که این افلام جزه دستمزد کارگر است و نه چیزی اضافه بر آن. رژیم طاغوتی شاه به‌فقدن رباکاری و به فقد استثمار مرچه شدیدی کارگران، دستمزد آنها را به‌فقدن تقسیم کرد و اسم یک قلم از آن را سود ویژه گذاشت که کمترین رابطه‌ای با سود ویژه کارخانه ندارد و جزبی است از دستمزد. کارگری که این جزه را نگیرد نمی‌تواند زندگی کند. پول ندارد کرایه کمرشکن مسکن بپردازد و صاحب‌خانه «فوری می‌خواهد، خیلی هم می‌خواهد».

به‌گمان ما، نخست وزیر موقت همان‌طور که صورت خواستند تا خسارات آقایان سرمایه‌داران و اصناف را بپردازند - که کار بسیار به‌جایی هم کرده‌اند - و مؤلف بودند که دستمزد سورتی از کارگرانی که دستمزد نگرفته‌اند و زن و بچه‌شان گرسنه و اسیر ریاخواران زالومت هستند، تهیه کنند تا دستمزد آنها نیز فوراً پرداخت شود. این دین اولی‌تر است.

ساختن دولت آینده
 در پیام نخست‌وزیر چندین مسئله بسیار مهم درباره ساختن دولت آینده و نظر مردم درباره آن وجود داشت که باید به‌جای خود و با تفصیل بیشتری بررسی شود. ما در اینجا به اختصار یاد از آنها می‌کنیم. این مسائل عبارتند از: دخالت یا عدم دخالت کارمندان و کارگران در انتخاب مدیریت، خودمختاری خلق‌ها، ارتش.

دخالت کارگران و کارمندان در انتخاب مدیریت و اداره مؤسسات

نخست وزیر دولت موقت از این موضوع بسیار خشمگین است که: «کسانی که مدیریت دارند زیردستی‌ها را رهانان نمی‌دهند کار بکنند. ما از خسارت می‌فرستیم. آنجا هم مشکلات فراوان است.» می‌خواهند صاحب‌خانه باشند، همه‌کاره باشند، تکلیف مدیریت کارخانه و همه‌چیز را معین کنند و یا

رئیس اداره را آنها انتخاب کنند و امثالهم.»

آقای مهندس بازرگان در این پیام نیز مانند سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های قبلی‌شان انتخاب مدیر یا رئیس را توسط کارگران و کارمندان اصولاً غیرمقدور می‌داند. ایشان در گذشته بارها گفته‌اند که چنین چیزی در هیچ‌جا سابقه ندارد.

در این باره لازم است توضیح دهیم که حزب توده ایران با برخی اقدامات چه‌بروانه مخالفی که می‌خواهند از خارج برای کارگران «شورا» تشکیل دهند که وظیفه شورا هم عبارت از همان وظایف سندیکائی باشد موافق نیست. برای تشکیل شوراها به‌عنوان هسته‌های حاکمیت خلق - که یکی از اشکال این حاکمیت است و نه شکل منحصر بفرد آن - باید زمینه‌ای عینی مساعدتری فراهم آید.

اما شرکت کارگران و کارمندان در مدیریت کارخانه و انتخاب مدیریت یا مسئله شوراها به‌عنوان ارکان حاکمیت آقای بازرگان در بسیاری از انقلاب‌ها ارتباط مستقیمی ندارد. برخلاف فرمایشات آقای بازرگان در بسیاری از انقلاب‌ها که شکل حاکمیت شورایی نبوده، مؤسسات را به امور اداره کارخانه‌ها و مؤسسات را به دست گرفته و یا در آن شرکت کرده‌اند و امروز شرکت سندیکاهای کارگری در مدیریت کارخانه‌ها و مؤسسات از مسائل عادی دنیای متمدن سرمایه‌داری است (تا چه رسد به سوسیالیستی).

یادآوری کنیم که در انگلیز بسیاری از مؤسسات بزرگ صنعتی و کشاورزی متعلق به فرانسوی بود و وقتی آنان گذاشتند و فرار کردند، دولت انقلابی الجزایر اداره امور آنها را به‌خود کارگران سپرد که مدیر انتخاب کردند و با خودگردانی کارها را بهتر از گذشته پیش بردند. چرا ما در مورد مؤسساتی که صاحبان آنها فرار کرده و مؤسسه را رها کرده‌اند تجربه الجزایر را که اسلامی هم عمت مورد استفاده قرار ندهیم؟

چرا در مؤسسات دولتی میان کارگران و کارمندان از یکسو و مقامات بالای دولتی از سوی دیگر تقاضم و صحبت و همکاری بیشتری ایجاد نکنیم و به‌کارگران و کارمندان اجازه ندهیم در اداره امور شرکت بیشتری داشته باشند؟ چه کسی گفته است که حتماً باید مدیر از بالای تشکیل شود؟ دولت موقت که به علت دشواری گزینش، مدیران، برگزینی ۳۰ مدیر را از موقعیت‌های خود می‌شمارد چرا به‌کارگران اجازه نمی‌دهد که صداهم‌مدیر از میان خود، مهندسین و کارمندان انتخاب کنند و کار دولت را هم - اگر واقعاً دولت انقلابی است - آسان‌تر سازند؟

خودمختاری

نخست‌وزیر دولت موقت از آنچه در مناطق ملی کشور از جمله کردستان و ترکمن‌صحرا و غیره می‌گذرد نگران است و می‌گوید که آنها صبر نمی‌کنند، به‌جان هم می‌افتند. ما تردیدی در شورش‌های امیر نداریم. ما می‌دانیم که دلیل ریشه‌ای آن‌گونه مسائل زمان می‌خواهد. اما پذیرش خودمختاری، پذیرش حق ملت‌ها بسیاری تعیین سرنوشت نه زمان می‌خواهد و نه رفتارندوم. دولت آقای بازرگان همان‌طور که نظر علمای اصلی استن از عالمان می‌داند، و همان‌طور که از اقلیت‌هایی نظیر ارمنی و زردشتی و غیره می‌خواهد که نظرشان را بگویند تا در قانون اساسی جدید منظور شود می‌تواند و باید که نظر خلق‌های زیر ستم ایران را نیز ببیند و در قانون اساسی منظور کند.

مسئله ارتش

درباره ارتش بسیاری مطالب گفته شده و ما در این مسئله اساسی نظر خود را جداگانه و به تفصیل خواهیم داد. آنچه هم‌اکنون به‌طور خلاصه می‌توانیم بگویم که سوء تفاهمی ایجاد نشود، اینست که نگرانی مردم، سربازان، درجه‌داران و هم‌افران و افسران انقلابی درباره خطری که از جانب بقایای ارتش شاهنشاهی و بازسازی آن انقلاب ایران را تهدید می‌کند کاملاً بی‌جاست. ارتش باید از ریشه‌نوسازی شود و نه بازسازی. ارتش باید بر روی افراد انقلابی بنا شود و نه وابستگی به رژیم سابق. در این مورد هم برخلاف گفته مهندس بازرگان نه‌تنها انتخاب فرماندهان سابقه دارد، بلکه در همه انقلاب‌های واقعی ارتش سابق منحل شده و ارتش نسوین بر مبنای ارتش جدید و از پائین ساخته شده است.

نتیجه بگیریم

نظر حزب توده ایران درباره دولت موقت با صراحت بیان شده که ما در

آغاز این نوشته نیز آوردیم. حزب ما از همه اقدامات مترقی دولت موقت حمایت کرده و می‌کند. ما معتقدیم که چنین اقداماتی در برخی از زمینه‌های مهم زندگی سیاسی کشور وجود داشته و دارد و لذا تذکرات کنونی ما تنها در این چارچوب قابل درک و بررسی است. ما اعلام می‌کنیم که آماده‌ایم در کمیسیون‌های وابسته به شورای عالی طرح‌های انقلاب شرکت کنیم و همان‌طور که آقای مهندس بازرگان خواسته است «صمیمانه و خارج از ریا و سر و

صدا هم‌کاری کنیم». به‌نظر ما دولت آقای بازرگان فقط از یکسو - یعنی از طرف مردم - تحت فشار نیست، بلکه این دولت از سوی دیگر هم تحت فشار است. نیروهایی در خارج و داخل کشور و شاید داخل کابینه وجود دارند که می‌خواهند از برندگی دولت انقلابی بکاهد و آن را واقعاً هم به مشروطه بدرن سلطنت بدل کنند. در برابر این فشار است که باید مقاومت کرد و نه در برابر خواست‌های انقلابی مردم.

از دادگاه‌های انقلابی

حمایت کنیم

متوقف شدن کار دادگاه‌های انقلاب در مورد رسیدگی به جنایات عمال رژیم جنایتکار سابق حتی به‌صورت موقت مایه‌کنال تأسف است.

دستگاه جنایت پیشه رژیم سابق سرنگون شده ولی از میان نرفته است. اگر به‌جنایتکاران مجال داده شود آنها یکبار دیگر کشور را به‌شدت بکشد و کشتارگاه میلیون‌ها انسان شریف بدل خواهند کرد. نه تجربه ۲۸ مرداد و نه تجربه شبلی و کشورهای نظیر آن را نمی‌توان و نباید فراموش کرد. آن‌قسمت از اقدامات قاطع کمیته‌های انقلابی که در مورد تعقیب و مجازات جنایت‌کاران رژیم سابق انجام می‌شود مورد تأیید همه مردم ایران و همه نیروهای ترقی‌خواه و دموکرات جهان بوده و اگر در این زمینه‌ها اقدامی وجود داشت عبارت از این بود که چرا این کمیته‌ها قاطع‌تر عمل نمی‌کنند و چرا عده‌ای از بزرگترین

جنایتان و خیانت‌کاران امکان یافته‌اند از مجازات برهند.

آن دسته از محافل خارجی کهسه کار کمیته‌های انقلابی را تخطئه کرده و عملاً از جنایت پیشه‌گان آدم‌کش حمایت می‌کنند نایبانه افکار عصبانی مردم جهان نیستند، آنها از ربابان ساواندو خادمان سیا هستند، نمی‌توانند به‌حرف آنها توجه کرد. آنها می‌خواهند ساواک را حفظ کرده و در آینده باز هم به‌کشور، مسلط کنند. حزب توده ایران حمایت خود را از اقدامات انقلابی کمیته‌های امام شلبه رژیم جنایت‌کار پهلوی و عمال آن اعلام می‌دارد و معتقد است که باید این اقدامات با قاطعیت باز هم بیشتر ادامه یابد. متوقف شدن آن و یا کند شدن آن به‌منابه ترمز کردن انقلاب است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

ضد انقلاب را آزاد نگذاریم

کشور نهاده باشد با بنام خود نودوده باشند مسترد و مجادله شود. لازم است محاکمات علمی با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی و با استفاده از کمیته پرونده‌هایی که علیه آنان در پست‌های مختلف و زمان‌ها و مکان‌های مختلف تشکیل شده یا می‌شود، ترتیب داده شود. ما باید با نشان دادن تصمیمات آنان به‌جهانیان و ارائه دلایل قانع‌کننده و محکم‌پسند به‌آنان حقیقت انقلاب عظیم و بی‌نظیر ملت ایران را به‌مردم دنیا و بدشلس‌های آینده ثابت نماییم. تنها ضمانت استحکام و بقای دولت انقلابی تکیه به‌توده‌های مردم و دادن آزادی‌های اساسی و حقوق بشر است. از قبیل: آزادی داشتن عقیده، آزادی بیان عقیده، مطبوعات، احزاب، انتخاب شغل، مسکن، شناسائی حقوق زنان و غیره.

دولت انقلابی می‌تواند با دستگیری عوامل ساواک که در نخست‌وزیری اجتماع می‌نمایند، در کانون و کلای دادگستری متخمن می‌شوند، در تظاهرات زنان آزادی‌خواه اخلاص می‌کنند و قعد تضعیف انقلاب را دارند، با دستگیری کسانی که جلوی روزنامه‌ها تظاهرات مخالفت امیز می‌نمایند، جلوی ضدانقلاب را بگیرد.

ملت ایران هرگز نمی‌خواهد شاهد واقعه‌ای باشد که برای مجیب‌الرحمان رهبر خاق بنگلادش و عبدالکریم قاسم رهبر آزادی‌خواه عراق اتفاق افتاد، ولی لازم است که کلیه نیروهای ضد ارتجاع و ضد امپریالیستی متحد شوند و وابستگی‌های امپریالیسم و عوامل ارتجاع را نابود نمایند. برای جلوگیری از چنین واقعه‌ای نباید علیه گروه‌های دیگر رزمنده جنگید. این فقط به‌دفع ارتجاع است.

دولت باید لیست مأموران ساواک و مرتب‌ترین آنها را منتشر کند تا همه مردم آنان را بشناسند که نه‌تنها ملی ایران لطمه بینند، باید، لیست دستگیرشدگان را منتشر کند. مردم را از پیشرفت آگاه سازد. مردم ایران حق دارند این‌را بدانند. در این زمان که انقلاب به‌پایان نرسیده، عوامل ضد ملی دستگیر و محاکمه نشده‌اند و به‌قول آیت‌الله طالقانی ۸۰۰۰ نفر مأموران ساواک مسلح و متشکل‌اند و قعد کوبیدن و نابودی انقلاب را دارند، غنوع عمومی مورد نداشته و به‌ضرر انقلاب تمام می‌شود. همچنین است خلع‌سلاح جوانان و احیای زاندارم‌ری و شهربانی. مؤسسه اخیر هنوز هم در بعضی از نقاط ایران فعال‌ه‌ایست، و انقلابیان وطن‌پرست را شکار کرده و نابود می‌کند. عوامل ارتجاع باجزر و شکنجه و حق‌کشی و ایجاد خفقان در کشور هم‌دست شاه و امپریالیسم بوده‌اند و عمل آنان جنایت و شایسته کیفر شدید است. نباید اقدامات انقلابی را متوقف نمود و این مأموران را به‌حال خود رها کرد. صدها نفر از عوامل و جاسوسان سیا که قبل از انقلاب وارد ایران شده‌اند همچنان با خیالی راحت سرگرم ترتیب توطئه و کودتا و ایجاد تشکیلات ضد انقلابی‌اند. برای حفظ سلامت انقلاب باید آنان شناسائی و دستگیر و محاکمه شوند.

هنوز دشمن قوی است. هنوز دشمن سرکوب نشده است. در چنین شرایطی متوقف کردن کار دادگاه‌های انقلاب متوقف کردن انقلاب است.